بنام خدا

 چه خوش است كه انسان لحظه‌اي بر وصلت يارنشيند و دل از تاريكيهاي دنيا برچيند و به كوي روشني با دلي آسوده و اعمالي مقبول روان آيد. چه خوش است كه انسان مبدأ خوش بازيابد و در طي طريق مقصدش ثابت و دل از بيراهه برتابد و صراط مستقيم در پيش گيرد خدايا تو خود داني كه د راين موقف چند صباحي اقامت گزيدم ولي دل به دنيا نبستم و قدمي برنداشتم مگر رضايت تو را در اين خواستم ليكن باز در انجام وظيفه‌ام ترديد دارم. خدايا از تومسئلت دارم غبار ريا از اعمال من بزدائي و بركوي رحمت رهنمون سازي و با فضل خويش رفتار كني. خدايا من تورا به اشتياق بهشت، ترس از عذاب دوزخ عبادت نكردم بلكه عبادت كردم كه چون تو را سزاوار و شايسته عبوديت و بندگي يافتند گرچه رجاء واثق داشتم كه جهنم را بر من حرام و لذت بهشت را به كام من بچشاني و تو را گواه مي‌گيرم من از كذشته‌هايم تا اميدم و چشم اميد به باب فضل و رحمتت دوخته ام پس از حمد پروردگارم كه عالم امكان دريده قدرت اوست و گواهي مي دهم كه لااله‌الاا... و لاشريك له خدائي نيست بجز خداي حكيم و قادر كه پروردگار جهانيان است يكتا و بي‌همتائي بي‌شريك و بي‌نياز است نه زاده و زاده هم نشده كه آفريننده و نگه دارنده و در انهدام توانا و قابل است و شهادت مي دهم كه 124000 نور هدايت بر بندگان خويش از ميانشان برانگيخته كه اول هم آدم ابوالبشر و آخر هم خاتم پيامبر حضرت محمدبن عبدا...(ص) كه بنده و فرستاده است و مكمل اديان ماقبل خود بود دينم اسلام و كعبه قبله‌ام مي‌باشد و شهادت مي‌دهم كه قرآن، اين كلام خدائي به توسط جبرئيل امين بر قلب مبارك و نازنين پيامبر نازل و براي هدايت بشر مكتوب گرديد و پذيرفتم كه پس از گذشت چند روزه دنيا عالم ديگري است كه روز رستاخيز است و همه حسابها پس داده مي‌شوند و شهادت مي‌دهم به روايت دوازده آفتاب فروزان و جانشين پيامبر اكرم كه اولش مولاي متقيان و آخرش بقيه ا... الاعظم است كه در نظرها پنهان به اذن خداوند ظهور و جهان را پر از عدل و داد خواهد كرد و از خداوند قادر و توانا مي‌خواهم كه در ظهورش تعجيل و براي پشتوانه انقلابش رهبر انقلابمان پيرجماران را محفوظ بدارد و انقلابش را به انقلاب قائم آل محمد متصل گرداند و ما را از سربازان دلباخته و در ركابش قرار دهد و از خداي متعال مسئلت دارم كه اين ملت را قدرشناس امام و رهبر قرار دهد و توفيق عنايت كند كه به رهنمودهايش جامه عمل بپوشاند و حركات حضرتش را سرلوحه زندگي خويش قرار بدهند و اما مي‌خواهم با رهبرم تجديد بيعت نمايم عرض كنم اي امام روز جزا شاهد باش و گواهي بده اين حقير جان ناقابل خويش را براي استقرار كلمه حق و پاسداري از حريم و نظام نوپاي جمهوري اسلامي به پيروي از حضرت كه همه هستي خويش را به ثمر رساندن انقلاب اسلامي تحمل سختيها نمود نثار كردم و بار ديگر با تو پيمان مي‌بندم كه آخرين قطره خونم تو را رهبر خويش دانسته و از تو تقليد مي‌كنم و كلام تو را كلام خداوند مي‌شمارم و مي‌خواهم كه يوم الحشر شفاعت بنمائي و طلب مغفرت و آمرزش گناهانم بخواهي و كاش نه جاني بلكه جانهائي داشتم و نثار مي‌كردم زيرا عمر پرمعصيتم يك لحظه عمر آن حضرت هيچ و پوچ مي‌دانم و اي عزيزم پيامي هم با دوستان و آشنايان دارم كه قدر نعمتهاي انقلاب – جنگ و رهبر را بدانيد كه سعادت همگان در بطمن انقلاب نهفته است و جنگ هدفداري با انگيزه نعمت است. نعمتي عظيم، زيرا كه قسط و عدل در سايه عدل است، عزت و شرف و انسانيت در گرو جنگ است، جنگ انسان ساز است، جبهه دانشگاه است، دانشگاه سراي وصلت است، وصل با خدا بيعت است بيعت با حسين بن علي(ع) طريقه لبيك است، لبيك با امام كوي وحي است و وحي خدا و بشارت باد كساني كه جرعه‌اي از آب كوثر نوشيدند و بيائيد درك كنيد و از غافله عقب نمانيد كه فرصت كوتاه است و بارزترين سعات.

قال رسول الله ( ص) : فوق كل برابر حتي شهادت في سبيل الله فرقه بر بالاتر هرنيكي نيكي ديگري است تا اينكه مي‌رسد شهادت در راه خدا پس بالاتر از آن نيكي نيست و اما به راهي انتخاب كردند بي شك و ترديد و آگاهي كامل و شكر پروردگارم كه در انتخابم هدايتم كرده و محبتش را در دل حقير والدينم نهاده تا در اين راه ياري‌ام نمايند و سعادتم نصيب شد تا در اين بار در جبهه‌هاي نور عليه ظلمت شركت نمايم و از خدا خواهم كه با امرزش گناهانم شهادت نصيب فرمايد و از زندگي دنيوي گذشتم و حتي حاضر نيستم كه دو متر پارچه و زمين نيز اشغال نمايم بلكه دوست دارم كه آثاري از بدنم باقي نماند و اگر خواست خدا جنازه ام سالم باشد د راين صورت چه بهتر كه دستم را باز بگذاريد تا دنياپرستان كوردل ببينند چيزي از اين دنيا ندارم و چشمم را نيز باز بگذاريد تا كوردلان زمان بدانن كه راهم را با آگاهي انتخاب كردم بجز تسليم حق نشدم و جنازه ام كنار برادر همسنگرم خليل طهماسبي دفن نمائيد تا دشمنان ما به اتحاد و يگانگي ما زانوي غم در بغل گيرند و دوستان ما افتخار كنند.

پدر و مادرم و همسرم، فرزندانم را الهي تربيت كنيد تا در آينده بيانگر اين تاريخ باشند و همسرم نيز آزاد است كه به وظيفه شرعي خويش عمل نمايد و كسي نمي‌تواند او را مجبور نمايد و بنده هم از وي و از پدر، مادر و برادرانم راضي هستم و از همه انها حلاليت مي‌طلبم و وصي و وكيلم نيز پدرم مي‌باشد كه حق هرگونه تصرف در اموال مرا دارد و در پايان از تمامي اقوام و بستگان و آشنايان برايم حلاليت بخواهيد و اگر كسي ادعاي بستانكاري نمود در حد جزئي بپذيريد چون چيزي به ياد ندارم.

مي خواهم شمع باشم در دل شبها بسوزم

 روشني بخشم به خلق و خود تنها بسوزم

 والسلام مورخه 24/10/65

محسن بكند